

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حاشیه‌نشین‌های تبریز؛ روایتی مردم‌شناختی از یک محله

سرشناسه: ایزدی جیران، اصغر، ۱۳۶۲-
عنوان و نام پدیدآور: حاشیه نشین های تبریز: روایتی مردم شناختی از یک محله /
اصغر ایزدی جیران؛ ناظر علمی صمد صباغ دهخوارقانی؛ ویراستار امیر دهقان.
مشخصات نشر: تبریز: شورای اسلامی شهر تبریز، مرکز پژوهشها، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۲۶۱ ص.؛ ۲۱×۲۱ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۳۷۶-۱-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۵۳] - ۲۶۱.
موضوع: حومه نشینی و حاشیه نشینی -- ایران -- تبریز
Suburban life -- Iran -- Tabriz
حومه نشینی و حاشیه نشینی -- ایران -- تبریز -- جنبه های اجتماعی
Suburban life -- Social aspects -- Iran -- Tabriz
مسائل اجتماعی -- ایران -- تبریز
Social problems -- Iran -- Tabriz
شناسه افزوده: صباغ، صمد، ۱۳۴۲-
شناسه افزوده: شورای اسلامی شهر تبریز. مرکز پژوهشها
رده بندی کنگره: HN۶۷۰/۲
رده بندی دیویی: ۳۰۷/۷۶۰۹۵۵۳۲۲۲
شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۳۸۷۰۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

حاشیه نشین های تبریز

روایتی مردم شناختی از یک محله

اصغر ایزدی جیران

عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز

تقدیم به مردمانی که به حاشیه رانده شده‌اند



انتشارات
مرکز پژوهش‌های
شورای اسلامی کلانشهر تبریز

حاشیه‌نشین‌های تبریز: روایتی مردم‌شناختی از یک محله

پژوهش و تألیف: اصغر ایزدی جیران
ناظر علمی: صمد صباغ دهخوارقانی
ویراستار: امیر دهقان

عکس روی جلد: احد ابراهیم پور
نمونه‌خوان: سهیلا فرضی مولان
چاپ و صحافی: چاپخانه ولیعصر
تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ دوم: بهار ۱۴۰۳، تبریز • ۲۷۴ صفحه • قطع رقعی
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۳۷۶-۱-۵

کلیه حقوق چاپ و نشر این اثر به مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی کلانشهر تبریز تعلق دارد.
هرگونه بهره‌برداری از کتاب با ذکر منبع بلامانع است.

تبریز، میدان ولی‌امر، خیابان شهید شفیع‌زاده، جنب فرهنگسرای شهید بهشتی،
مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی کلانشهر تبریز، تلفن: ۰۴۱-۲۱۰۴۰۹۲۵

ISBN: 978-6-22933-761-5



قیمت: ۱۶۸۰۰۰ تومان

فهرست

- مقدمه ناشر..... ۱۳
- پیشگفتار چاپ دوم..... ۱۷
۱. مقدمه ۲۱
- نابرابری و رنج اجتماعی..... ۲۳
- مردم‌شناسی فقر ۲۷
- مردم‌نگاری: در باب روش..... ۳۴
- نشان دادن نابرابری در شهر تبریز..... ۳۷
- قیانلار: یک محله مهاجرنشین..... ۴۰
۲. جنسیت مهاجرت: مردها، اقتصاد و غذا..... ۴۳
- جان قورتولدو: مهاجرت از نیستی..... ۴۶
- زیستن در نابرابری شهری..... ۵۳
- کار، لذت و بهانه: مردها و خانواده‌ها ۵۵
- بی‌قراری، تلاطم و صبر: پرتله‌هایی در برابر فقر..... ۷۰
- نداشتن و داشتن: از سرافکنندگی تا غرور..... ۷۴
- کلک زدن: یک استراتژی بقایی..... ۸۲
- «داد گندسین داماغدا بیلینسین»: آرام کردن نفس..... ۸۷
- مردانگی ناکام..... ۹۴

۳. پیکربندی اجتماع محله‌ای: خوشی‌ها و ناخوشی‌ها..... ۹۷
- زندگی در سه لایه: فرهنگ‌های خیابان، کوچه و خانه ۱۰۰
- طایفه‌ها: نیروهای خشونت، مهربانی و فریب..... ۱۱۱
- کمک فامیل‌ها؟ آیین‌ها و زندگی روزمره ۱۱۶
- عربده‌کشی و خودتخریبی: زایش فرهنگ قدرت ۱۲۰
- نانسان: بی‌پناهی و نژادگرایی درون محله‌ای..... ۱۲۸
- در هیاهوی نیروهای اجتماعی..... ۱۴۳
۴. ترافیک فرهنگی: بالا و پایین بودن در خیابان ۱۴۵
- سن: فرهنگ نسل‌ها..... ۱۴۸
- خیابان: نمایشگاه فرهنگ‌های سنی و جنسیتی..... ۱۵۰
- مستی، رعب، فحش: الگوهای فرهنگی لات‌ها ۱۵۵
- بلند بودن: فرهنگ استریو ۱۵۸
- پایین و آرام بودن: احیای زندگی سنتی در هیات‌ها..... ۱۶۶
- فکر نکردن: اسارت در زندگی عملی..... ۱۷۲
- تخیل در برابر واقعیت: زنان باور..... ۱۷۷
- آشقیق بودن و آگاه بودن: ضد کلیشهٔ مردمان بدون فرهنگ ۱۷۹
- تنش در فرهنگ ۱۸۱
۵. در میانهٔ طرد و جذب: زیر و رو شدن نهادها ۱۸۳
- بترسید و نزدیک نشوید: تصویرها و واقعیت‌ها..... ۱۸۶
- قدرت تعیین حقیقت: قاییرغام از یلدی..... ۱۸۹
- بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی ۱۹۵
- جمعیت امام علی علیه‌السلام: پیوندهای تازه ۱۹۶

- دستر تسهیلگری: آرزوهای کوچک و بزرگ ۲۰۰
- کار خیریه‌ای: رفع نیازهای فوری ۲۰۴
- مسجد: نهادسازی بومی ۲۰۶
- نهادزدایی و وانهادگی ۲۱۱
۶. تاب آوردن: شکست‌ها و مقاومت‌ها ۲۱۳
- بدن مندی فقر: مریضی و مراقبت ۲۱۵
- «اصاب»: طاعون فقرا ۲۱۹
- جمع شدن مریضی‌ها روی هم: وحشیت مردان «اصاب» و خانه‌های ناامن ۲۲۴
- قهوه‌خانه‌ها و پاتوق‌ها: تنها نماندن ۲۳۱
- «سیگار کی کیشینین دوروشوغودو»: دود کردن رنج‌ها با نشانه مردانگی ۲۳۵
- مسخره کردن و خشمگین شدن: درمان‌های حرف ۲۳۷
- در پناهگاه دین ۲۴۰
- قفق: فقر: تحت تسخیر جادو ۲۴۱
- تضاد فرهنگی و خروج از محله ۲۴۲
- استراتژی‌های فرهنگی برای تاب آوردن ۲۴۸
۷. رنج چندلایه ۲۵۳
- خطوط تحلیلی در روایت مردم‌نگارانه ۲۵۵
- تجربه و پیامدهای رنج چندلایه: یک نظریه محلی ۲۵۷
- راه‌هایی برای کاستن از رنج‌ها ۲۶۰
- منابع ۲۶۷

مقدمه ناشر

این پرسش که «چگونه با مسائلمان روبرو شویم؟» دلمشغولی مهمی برای مدیران، متولیان و نخبگان شهرهاست. کوشش‌های پردامنه برای یافتن پاسخ‌های مطلوب به این پرسش اساسی، حتی اگر لزوماً به حل مسائل شهری ختم نشود، موجب رشد دانش شهری در جوامع مختلف شده است. جامعه شهری ایران نیز همپای تحولات جهانی، با دسته‌ای از مسائل روبروست که نمی‌توان آنها را انکار کرد یا نادیده گرفت یا حتی تعلیق نمود. گریزی از درگیری با این مسائل نیست و هرگونه تاخیر در درک و حل آنها، هزینه‌های جبران‌ناپذیری برای امروز و فردای ما تحمیل می‌کند.

در مواجهه با مسائل شهری، نخستین ضرورت، درک صحیح از مسائل است؛ درک صحیح یعنی اشراف بر زمینه‌ها، ابعاد و پیامدهای مسئله و نتیجه چنین درکی، طراحی درست صورت مسئله خواهد بود. واضح است که در فقدان صورت مسئله درست، راه‌های حل مسئله به روی ما بسته خواهد بود و جز اتلاف زمان و منابع، نصیبی نخواهیم داشت.

بر این اساس، سیاستگذاران شهری، می‌کوشند با بکارگیری شیوه‌های روزآمد و کارآمد در طراحی درست صورت مسائل شهری، نیروهای موجود و در دسترس را برای حل مسائل تجهیز کنند. پژوهش‌های شهری، معطوف به چنین رسالتی شکل می‌گیرند و تبدیل به رکن سیاستگذاری و مدیریت شهری می‌شوند. مطالعه تجربه‌های مدیریت شهری در ایران و سایر جوامع حکایت از این دارد که مدیریت‌های مطلوب، با پژوهش‌های مسئله‌محور و موثر پیوند دائمی دارند. این رویکرد، البته امروز از امری ویتروینی به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شده است و سیاستگذاران شهری، بی‌توجه به چنین ضرورتی، توفیق چندانی در گره‌گشایی و اعتلای شهرها نمی‌یابند.

مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی کلانشهر تبریز، به عنوان بازوی پژوهشی و کارشناسی نهاد مردمی شورای اسلامی شهر، رسالتی در همین مسیر بر دوش دارد. ارتباط مستمر با جامعه دانشگاهی، کارشناسان و پژوهشگران حوزه‌های مختلف مدیریت شهری، ارجاع مسائل شهر به ایشان و دریافت پاسخ‌های راهگشا و موثر برای حل مسائل، زنجیره اقدامات مرکز را شکل می‌دهد.

بخشی از یافته‌های پژوهشی در قالب گزارش‌های کارشناسی، به صورت عمومی عرضه می‌شود. مخاطب این گزارش‌ها، سیاستگذاران، مدیران و افکار عمومی است. بخش دیگری از دستاوردهای پژوهشی، با هدف تولید ادبیات، تقویت دانش شهری و دامن زدن به گفتگوهای انتقادی، در قالب کتاب منتشر می‌شود. ارزش‌های پیدا و پنهان آثار مکتوب، بر کسی پوشیده نیست.

ما امیدواریم مجموعه آثار منتشر شده توسط این مرکز، به پشتوانه نقد و نظریه اصحاب فکر، صاحبان اندیشه و تجربه در امور شهری، سهمی در درک و حل مسائل و در نهایت، بهبود وضعیت و کیفیت زندگی شهری داشته باشد.

روح الله رشیدی

رئیس مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی کلانشهر تبریز

پیشگفتار چاپ دوم

کتاب حاشیه‌نشین‌های تبریز اولین تجربه‌ی تک‌نگاری من در مردم‌شناسی بود که راهش را به میان مردم باز کرد. هرچند امکان‌های پخش سراسری کتاب در چاپ اول مهیا نبود و بیشتر در شهر تبریز توزیع شد، اما خوشحالم که با استقبال خوبی مواجه شد و در حدود شش ماه چاپ اول تمام شد. انتظار نداشتم که طیف‌های متفاوتی از مخاطبان کتاب را بخوانند، از مردم عادی تا متخصصین و تا مسئولین شهری و استانی.

نوشتن کتاب مردم‌نگارانه در ایران، کار دشواری برای من بود. از یک طرف نمی‌خواستم به سبک سنتی مردم‌شناسان قدیم بنویسم که نوشتارشان بر توصیف‌های تعمیمی استوارند؛ از طرف دیگر پیش چشم نمونه کار موفق ایرانی معاصر نداشتم که بتواند هم توصیف‌های سرزنده داشته باشد و هم تلفیق درستی از نوشتار توصیفی و تحلیلی را به نمایش گذارد. کوشیدم تا فقدان‌های اساسی را در متن‌های مردم‌نگارانه در ایران پرکنم، از طریق خلق «صحنه‌های مردم‌نگارانه».

صحنه‌ها را با توجه کردن به شخصیت‌ها، فضاها و دیالوگ‌ها پروراندیم، به نحوی که خواننده بتواند موقعیت توصیف‌شده را تجسم کند. شگردم برای انجام تحلیل، اندیشیدن با صحنه‌ها بود، سقوط به امر زیسته‌شده؛ به جای صعود به نظریه‌های بیگانه با میدان و پناه بردن به زبان مغلق رایج در علوم اجتماعی. این سبک خاص باعث شد کتاب صرفاً برای دانشگاهیان متخصص نباشد، بلکه مردم عادی هم بتوانند کتاب را بخوانند؛ و همین‌طور مسئولین.

سپاسگزارم از رئیس مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی کلانشهر تبریز دکتر روح‌الله رشیدی که با وجودشان امکان تحقیقات مردم‌شناختی برای من و دانشجویانم فراهم شده است. از معاون پژوهشی مرکز دکتر احد ابراهیم پور و مدیر پژوهشی مرکز حسین احمدزاده ممنونم؛ و از امیر دهقان مدیر انتشارات مرکز که زحمت زیاد فرایند چاپ کتاب را متحمل شدند.

با داشتن خانواده‌ای همراه و همدل، مردم‌شناس می‌تواند با خیالی آسوده به میدان تحقیق برود و با تمرکز دوره‌ای طولانی بنویسد. همسرم سهیلا فرضی مولان چنین فضایی برایم ساخت. بعلاوه، با دقت تمام کار بازبینی و نمونه‌خوانی کتاب را برای چاپ دوم انجام داد. دخترم هستی و پسرم سهند را می‌بوسم.

اما بیش از همه، کتاب حاشیه‌نشین‌های تبریز مدیون سخاوت مردمان محله‌ی قُپانلار است. آنها که برخلاف تصورات منفی مرسوم در تبریز، من را به خانه‌هایشان راه دادند؛ داستان‌های زندگی‌شان را به من گفتند؛ و اجازه دادند در مناسک جمعی‌شان شرکت کنم. قُپانلاری‌ها با مهربانی من را پذیرفتند؛

دوست شدنند؛ کمک کردند؛ مراقب و دلسوزم بودند.

دید من با وامی که به مردم‌شناسی دارد، دل به تغییرات فرهنگی بسته است، تغییراتی که همزمان سیاسی و اخلاقی نیز هستند. اگر کتاب بتواند سهمی داشته باشد در حد «یک ذره» در رهایی مردمانی که به حاشیه رانده شده‌اند، و سهمی اندک در تغییر ذهنیت منفی خوانندگان نسبت به مردمان حاشیه‌نشین تبریز، من به مقصود رسیده‌ام.

با امید و عشق

اصغر ایزدی جیران



مقدمه

نابرابری و رنج اجتماعی

ریشه نیاکانم به روستای «اشاغی جئیران» در مراغه می‌رسد، ولی خودم در محله تهیدستی بنام آخونی در غرب تبریز از مادر زاده شده‌ام. ما هم مهاجرانی بودیم از خیل مهاجران دیگری که در اواخر دهه ۱۳۵۰ از روستاهای مختلف مراغه و شهرهای دیگر آذربایجان در این محله گرد هم آمده و اجتماع جدیدی را تشکیل داده بودند. پدران و مادران ما اهالی محله مهاجرانی بودند که اغلب آنها با دست‌های خالی از روستاها جلای وطن کرده بودند. برخی‌شان مثل پدر و عموی من تجربه چند سال کار در پروژه‌های ساختمان‌سازی در تهران را هم داشتند، اما بازگشته بودند به وطن‌شان آذربایجان تا روزگار تهیدستی را در کنار قوم و خویش‌شان سپری کنند. ایام کودکی و نوجوانی من تا سن پانزده سالگی در جامعه و فرهنگ آخونی گذشت. پس از آن این مردم‌شناسی بود که من را به محله‌های تهیدست بازگرداند، به جاهایی که می‌توان حس از وجود یک هستی اجتماعی و فرهنگی را به مشام کشید، جایی که در آن هویت یا هویت‌هایی جمعی شکل می‌گیرد. و پژوهش میدانی در فُپانلار اولین تجربه نوآموزی من در مردم‌شناسی بود، در پاییز ۱۳۸۴.

سپس من هم برای ادامه تحصیلات عالی در مردم‌شناسی جلای وطن کردم به تهران و پس از چند سالی دلم تنگ شد و بازگشتم. در تبریز بودن این امکان را به من داد تا از زمستان ۱۳۹۴ دوباره کار در قُپانلار را از سر بگیرم.

آخونی و قُپانلار محله‌هایی در شهر تبریز هستند و اجتماعات مردمانی را به ما نشان می‌دهند که از تبعیض و نابرابری اعمال‌شده بر جوامع روستایی در آذربایجان فرار کرده‌اند. توجه به تجربه رنج کشیدن، رخدادی تازه در مردم‌شناسی است. تغییر تمرکز در مردم‌شناسی از مفهومی بی‌رنج بنام فرهنگ به انسان رنج‌کش، تنها از دهه ۱۹۹۰ ممکن شد. مردم‌شناسی به آنجاهایی یا به سطوحی از رنج افراد می‌پردازد که تحت تأثیر شرایط فرافردی پدید آمده‌اند، از جمله از طریق مکانیسم‌های ساختاری. تبعیض و نابرابری، طاعون جدید جوامع معاصر در جهان است و افراد، خانواده‌ها و اجتماعات محلی را به انواع رنج‌ها و دردها مبتلا می‌کند (فارمر، ۱۹۹۹). ایجاد نابرابری در دسترسی به امکان‌های زندگی بهتر، تحقق خواست‌ها و توانایی‌های بالقوه را مسدود می‌کند و از این جهت به مثابه شکلی از «خشونت ساختاری»^۱ عمل می‌نماید (گالتونگ، ۱۹۶۹). در ادبیات مردم‌شناسی، تجربه رنج کشیدن به خاطر نابرابری‌هایی که نیروهای بزرگ‌مقیاس اقتصادی، سیاسی و نهادی بر افراد و گروه‌ها تحمیل می‌کنند، «رنج اجتماعی»^۲ نامیده می‌شود (کلاینمن، داس و لاک، ۱۹۹۷). صفت اجتماعی برای این نوع از رنج‌ها نشان می‌دهد که افراد نه به خاطر تصمیم‌های شخصی یا انتخاب آزاد، بلکه به دلیل قرار گرفتن در جایی معین در بدن جامعه

۱. structural violence

۲. social suffering